

سوء تفاهم در درک مفهوم اقتصاد مقاومتی

میزان انحراف از واقعیت در اجرا

رویکرد اصلی را اتخاذ کرد:

۱- ارتقا نگرش و رویکرد جامعه برای بازسازی و رشد کشور: گرچه فدراتیو بودن کشور و رقابت منطقی استان‌ها برای کسب وضعیت بهتر نیز، در این ارتقا و ایجاد روحیه تلاش و مشارکت بی تاثیر نبود.

۲- توجه ویژه به استاندارد و کیفیت: برای نمونه، تدوین استانداردهای معروف DIN که تقریباً تمامی مشخصات کیفی کالاها را پوشش می دهد. گرچه این استاندارد بعد از جنگ جهانی اول شروع شد لیکن تمرکز و بین المللی اندیشی، پس از دوران جنگ و ویرانی این کشور صورت گرفت. این توجه ویژه، منجر به این گردید که عملاً فروش کالای با کیفیت در آلمان، تاحدی غیر ممکن گردید. به صورت دیگر کیفیت در کشوری که همه تولیدات با کیفیت هستند، مزیت تلقی نگردید؛ و عملاً منجر به اتخاذ رویکرد سوم شد.

۳- رویکرد صادرات محور اقتصاد: قاعدتاً وقتی در کشوری تمامی خدمات و کالاها در اوج کیفیت و تعهد تولید گردد، فروش کالا در خارج از کشور ساده تر از داخل کشور است! عملاً محدوده رقابت شرکت‌های تولید کننده، به خارج از آلمان منتقل گردید. شاید به طور مکتوب در آلمان هیچ سالی بدین نام، نام نگرفت و یا رهبری بصیر که چنین نکاتی را یادآور گردد، وجود نداشت، اما عملاً همه جامعه برای افزایش کیفیت تولید، ارتقا دانش و مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و توانمندسازی جامعه و توسعه صادرات و ... در راستای ایجاد مزیت، بسیج شدند. مواردی که همه به طور صریح و دقیق در اقتصاد مقاومتی بیان شده اند.

خلاصه ای از نکات مهم ۲۴ بند اقتصاد مقاومتی

جامعه‌ای که کتاب نمی خواند و سرانه مطالعه پایینی دارد، از چهار مهارت ارتباطی گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن، سهم خواندن و نوشتن کمتری دارد و احتمال اینکه بداند اقتصاد مقاومتی ۲۴ بند دارد، پایین است! قطعاً چنین جامعه‌ای بیشتر فعالیت‌هایی که در جهت این موضوع هم انجام دهد بر مبنای تصورات، Conceptions، ادراک، استنباط شخصی و شنیده‌هاست. از این رو در این متن به نقاط تمرکز بعضی از بندها اشاره و میزان موفقیت و یا عدم آن، مورد بررسی قرار می گیرد.

۲۴ بند اعلام شده به سه بخش اصلی، قابل تقسیم است.

۱- دلایل و فلسفه وجودی

۲- وظایف دولت

۳- وظایف بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی و جامعه

وظایف دولت

۱- فعال سازی کلیه امکانات مالی و سرمایه‌های انسانی

فعال سازی کلیه امکانات مالی از سوی این گروه‌ها قابل انجام است: دولت از طریق بانک‌ها و یا بصورت مستقیم، بانک‌های خصوصی،

"مدیریت مخاطرات اقتصادی، واکنش هوشمند، سهم‌بری عادلانه، توانمندسازی نیروی کار، کاهش شدت انرژی، ارتقا شاخص‌های عدالت اجتماعی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی، شفاف سازی اقتصاد، جلوگیری از اقدامات فسادزا، شفاف و روان سازی شیوه



محسن محمدی

های توزیع و ..."

کلماتی با بار معنایی زیاد که شاید کمتر کسی این کلمات را به بند تعریف شده برای اقتصاد مقاومتی نسبت دهد و شاید کمی بدبینانه تر، "اقتصاد مقاومتی" به مواردی مانند خودکفایی، افزایش تولید، اتکا به تولید داخل، افزایش اشتغال، افزایش توان اقتصادی در دوران تحریم و حتی اقتصاد ریاضتی ... نسبت داده می شود. در این نوشته به اندوهی به نام ناآگاهی از مفهوم واقعی اقتصاد مقاومتی پرداخته می گردد. به طور حتم، انتظار برای اجرای هر فعلیتی، بدون آگاهی از معنای واقعی آن، انتظاری منطقی نمی باشد. جالب اینکه تامل در بندهای تعریف شده در این رابطه، نشان می دهد که این مفهوم نه تنها نسخه زمان فشار اقتصادی و یا تحریم که نسخه‌ای برای تمامی دوران بوده و کشورهای توسعه یافته تمامی این موارد را دقیقاً اجرا نموده اند. در این نوشتار همچنین به میزان انحراف از انتظارات طرح و تاحدودی به دلایل آن اشاره می گردد:

کلمات کلیدی:

اقتصاد مقاومتی - اقدام و عمل - resistive economy

تاریخچه

در طول تاریخ، همیشه بشر با تهدید کمبود منابع آب و غذا و نیازمندیهای مادی و امنیتی، بنا به تهدید از سوی هم‌نوع و یا موارد غیر قابل انتظار و یا کنترل، مانند سیل و خشکسالی، فحطی و زلزله مواجه بوده است. از این رو دو واژه متفاوت "انعطاف" و "مقاومت" هیچ زمانی از انسان اجتماعی، جدا نبوده است. تعاریف مختلفی از انعطاف و مقاومت در اقتصاد وجود دارد اما نگارنده معتقد است در "انعطاف اقتصادی"، مینا بر قابلیت پذیرش ضرر و زیان است در حالیکه در "مقاومت اقتصادی" مینا بر قابلیت جلوگیری از ضرر و زیان است. به صورت دیگر، انعطاف اقتصادی قابلیت است برای برخورد با ضرر و زیان اقتصادی، در حالیکه در مقاومت، پیشگیری از ضرر و زیان نیز مطرح است. انعطاف اقتصادی قابل اندازه گیری است. واژه اقتصاد مقاومتی یا Resistive Economy، اولین بار در سال ۲۰۰۵ در مورد غزه و برای برخورد با فشارهای اقتصادی اسرائیل مطرح گردید و پس از آن بطور دقیق و جامع و مبسوط توسط مقام معظم رهبری اعلام و ابلاغ گردید.

بررسی مثال موفق از توجه به اقتصاد مقاومتی

بعد از جنگ جهانی دوم، آلمان به عنوان یکی از آسیب دیده ترین کشورهای، ضمن فاصله اجباری از تمرکز روی صنایع نظامی، سه

رفتار سیاسی غیر قابل پیش بینی فارغ از جایگاه سیاسیون مهاجر در تاریخ کرمان - که این روزها احمد خاتمی طلایه دار ایشان محسوب می شود- که به تفصیل در خصوص ایشان سخن به میان آمد، مردمان کرمان زمین برای شکل دهی شاکله رویکردهای سیاسی در این دیار، شاید به تاسی از رفتارهای سیاسیون قدرتمند بومی، چپ و راستشان به شدت پُر بوده و هست و در این بین غیرقابل پیش بینی ترین رفتارها را به فعلیت رسانده اند. اگر در انتخابات نهم و دهم ریاست جمهوری، به حمایت از راست احمدی نژادی متهم بوده اند، در انتخابات یازدهم برای ۶۰ درصدی به اهالی تدبیر و امید، چپگردی خود را هم به منصفه ظهور می گذارند. در بخشهای جنوبی، آنچنان جذابیتی از خود نشان می دهند که رئیس دولت نهم و دهم در آغاز خیز دوباره اش برای حضور در عرصه سیاسی کشور، جیرفت را به عنوان پتانسیل مهمی می بیند تا میتینگ های غیر رسمی را از این سکو شروع نموده و ادبیات خاص اش را از تربیون جیرفت بازسازی نماید و این دقیقاً همان جیرفتی است که اهالی اش پای صندوق های رای، در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، یکی از تندروترین یاران احمدی نژاد در بهارستان راهی خانه می کنند. ماجرا به همین جا ختم نمی شود.

در حالیکه مجموعه استان کرمان، انتخابات مجلس یازدهم را با "امید" به پایان بردند، اهالی شهرستان کرمان با "تکرار" امید در دیگر شهرستانها هم نوا شده و کماکان اصولگرهای قبلی را راهی مجلس نمودند.

البته فیلترینگ تمام عیار کاندیداهای مطرح امید در شهرستان کرمان موضوعی نیست که بر کسی پنهان مانده باشد، اما با وجود این، بدون تردید همانگونه که پیشتر هم به آن اشاره شد این استان منش سیاسی خودش را داشته و معادلات و تصمیم هایش از پیچیدگی های منحصر بفردی برخوردار است.

در استانی که ۸۰ درصد منتخبین مجلس اصلاح طلب و مستقل از آب در می آیند، به یکباره احمد خاتمی هم رای اول خبرگان را می آورد و این یعنی «این کرمان سیاسی»، حالا حالاها دستش را برای تحلیل گران و پیشگویان سیاسی رو نخواهد کرد. حتی اگر این تحلیل گران در زمره بیرون گود نشینان نبوده و خودشان از جمله نخبگان بر شمرده در این مقال محسوب گردند.

* کارشناس و تحلیل گر